

# ریشه در دریا شاخه در آسمان

گزینه شعر شاهد استان مازندران

به کوشش: ایرج قنبری

زیر نظر کارشناسی ادبی معاونت فرهنگی بنیاد شهید انقلاب

اسلامی - ۱۳۷۸

قنبری، ایرج، گردآورنده  
ریشه در دریا شاخه در آسمان: گزینه شعر شاهد استان  
مازندران / به کوشش ایرج قنبری. - تهران: بنیاد شهید انقلاب  
اسلامی، نشر شاهد، ۱۳۷۸.  
۴۸ ص.

ISBN: ۹۶۴ - ۶۴۸۹ - ۲۱ - ۴: ریال ۲۴۰۰

فهرستتویسی بر اساس اطلاعات فیپا (فهرستتویسی پیش از  
انتشار).

۱ - شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه ها. ۲ - شعر فارسی --  
ایران -- مازندران -- قرن ۱۴ -- مجموعه ها. الف. بنیاد شهید  
انقلاب اسلامی. نشر شاهد. ب. عنوان.

الف - عزیزی، محمد ۱۳۳۵. ب - بنیاد شهید انقلاب اسلامی،  
نشر شاهد. ج. عنوان.

۸ فا / ۶۲۰۸ PIR ۴ ۱۹۰ / ۸۷ ر ۹

کتابخانه ملی ایران ۴۹۷۲ - ۷۸ م

ریشه در دریا شاخه در آسمان (مجموعه شعر)

ایرج قنبری

ناشر: نشر شاهد

حروفچینی: مؤسسه مهر

لیتوگرافی و چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۸

قیمت: ۲۴۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۶۴۸۹-۲۱-۴ ۹۶۴-۶۴۸۹-۲۱-۴ ISBN:

نشانی: تهران، خ آیت الله طالقانی، تقاطع خیابان شهید عباس

موسوی، جنب موزه شهدا، معاونت پژوهش و تبلیغات، نشر شاهد

تلفن: ۸۳۷۲۴۶-۷ فاکس: ۸۳۷۹۷۵

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به اداره کل پرورشی

می باشد.

## فهرست

- مقدمه ... ۱
- فاطمه توحیدی / در انتظار تو ... ۳
- علیرضا برزگر / نسیم خاطر / دو بیتی ها ... ۴
- زهرا حجازی / جان جهان / ز داغ هجر تو ... ۷
- مریم حجازی / دو بیتی ها ... ۹
- سید صابر حسینی / مادر ... ۱۰
- حسن حسن پور / شهادت / آرزوی دیرینه / بهار معطر / دو  
بیتی ها ... ۱۱
- زهرا داودی / داغ تنهایی ... ۱۸
- مریم دروا / پروانه خوب ... ۲۰
- میثم رضی / زمزمه ... ۲۲
- فرهاد صابر / آیش سبز / غروب خوب جنگل / چلچله / پرواز از  
آینه ها ... ۲۳
- علی فلاح / گلستان شهیدان ... ۲۷
- لیلا قلی نژاد / گل خورشیدی / زمزمه ... ۲۸
- موسی قمی اویلی / خاطره / دو بیتی ... ۳۱
- طیبه قمی / کسی می آید از راه ... ۳۳
- زینب کردیندسی / بوی عشق ... ۳۴
- قادر متاجی / جوانه نور / صنوبرهای خیس ... ۳۵
- طوبی محمدی / سرزمین من! ... ۳۸
- فرشید مسگران کریمی / دو بیتی ها ... ۴۰
- محمد هادی ناظریان / سوگواری / صمیمی ترین لحظه ... ۴۱

به نام خداوند جان و خرد  
کزین برتر اندیشه بر نگذرد

● مقدمه

در مقدمه بسیاری از کتاب های تحقیقی، و هم مجموعه های شعر، اغلب دیده ایم که نوشته اند: این آن چیزی است که توانسته ایم، نه آنچه که خواسته ایم!

و اما ریشه در دریا و شاخه در آسمان، با چنین نامی در خور و به آیین، آن چیزی است که شاعران شاهد استان مازندران خواسته اند و توانسته اند و این البته هرگز به معنی محدود و محصور بودن توانایی این عزیزان نیست، بل به ارتباط تنگاتنگ خواستن ها و توانستن ها این عزیزان اشارت دارد.

خواسته ها و توانسته هایی که تراوش طبع های دیر پسند و در عین حال ساده است.

برادر بزرگوارمان، شاعر معاصر، ایرج قنبری که خود از جمله شاعران ارزنده انقلاب است، از باغ شعرهای وارثان ماندگارترین شعرهای هستی - شهیدان - دسته گلی چند فراهم آورده است، هدیه اصحاب را.

کارشناسی ادبی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، با آرزوی سلامتی برای عزیزان معاونت فرهنگی استان مازندران، قدردان شاعر ارجمند ایرج قنبری است که با انتخاب چنین گل های خوشبویی، مشام جان دوستداران فرهنگ شهادت را عطر آگین کرده است. این گلچینی و گل افشانی همچنان برقرار باد در دیگر استان های شعرخیز کشور اسلامی مان، ایران. آمین.

کارشناسی ادبی  
اداره کل پرورشی معاونت فرهنگی  
بنیاد شهید انقلاب اسلامی

چالوس - فاطمه توحیدی  
(فرزند شهید)

در انتظار تو...

بیا پرنده روح همیشه زندانی است  
ضمیر خشک وجودم چنان بیابانی است

بیا! ببین که به نامت چگونه دل بستم  
شهاب آرزوی من چقدر طولانی است!

اگر چه دست و دلم زخم عشق نوشیدند  
ولی نه! خاطره هایم همیشه روحانی است

در انتظار تو عالم به خویش می پیچد  
و چشم این همه عالم همیشه بارانی است

بیا و مثل مسیحا به مرده ام جان ده  
که روی روشن و پاکت همیشه نورانی است

ساری - علیرضا برزگر  
(فرزند شهید)

### نسیم خاطر

آسمان پر نور شد از روی او

گشت آسان زندگی در کوی او

در خزان مهر، در شب های هجر

منتشر شد دوستی، با بوی او

بار دیگر در شعاع روشنی

زندگی لبخند زد بر روی او

می گرفت آرام دل های کبود

در پناه سایه ابروی او

می درخشید آفتاب زندگی

در نگاه روشن و دلجوی او

میوزد در چشم هایم روز و شب

چون نسیمی خاطر نیکوی او



## دو بیتی ها

سرایت کوی کفترهای بوم است  
ستیزت با کبودی های شوم است  
فراگیر است دنیا از وجودت  
دلت سرشار از عشق عموم است

خیالت روح ما را شاد می کرد  
مرا با مهر خود امداد می کرد  
نگاهم را به سوی نور می برد  
دلم را از قفس آزاد می کرد

پرستوهای ما پر باز کردند  
از اینجا تا خدا پرواز کردند  
اگر چه پر کشیدند از بر ما  
حیات دیگری آغاز کردند

چالوس - زهرا حجازی  
(خواهر شهید)

جان جهان

بهار خزان را کجا می برند

دل کاروان را کجا می برند

در آشوب و بلوای دوران بگو

که جان جهان را کجا می برند

بگو جسم در خانه جا مانده است

که بی جسم، جان را کجا می برند

هنوز این زمین غریب است

مسیح زمان را کجا می برند

خدایا دل و دستمان بود او

دل و دستمان را کجا می برند

## ز داغ هجر تو

ز داغ هجر تو، امشب فلک بی تاب می‌گرید

و چشم عاشق یاران چنان سیلاب می‌گرید

نفیس عالم و آدم چه مظلومانه کوچیدی

که امشب هم علی، هم قبله، هم محراب می‌گرید

و روح خسته من روز را در جستجوی توست

چنین سر تا سر شب را به جای خواب می‌گرید

نه تنها من، همه عالم برایت سوختند، آری

جهان تا محشر کبری چنین بی تاب می‌گرید

چالوس - مریم حجازی  
(خواهر شهید)

دو بیتی ها

قناری در فراقش ناله می کرد

شقایق گوشواره، ژاله می کرد

دریغارفت آن ماهی که هر شب

تکلم با زبان لاله می کرد

نمی آید ندای عشق در گوش

شمیمش هم نخواهد بردت از هوش

بمیر ای دل نگاهت را فروپوش

چراغت در جماران گشت خاموش

قائم‌شهر - سید صابر حسینی  
(فرزند شهید)

مادر

مادر ای آئینه تنهایی ام

روشنی بخش شب یلدایی ام

ای فروغ چشم های خستگی

ای نشان پاکی و دلبستگی

بی تو مرغی در قفس افتاده ام

خسته بالم، از نفس افتاده ام

کاشکی می آمدی از دورها

می دمیدی در دل من شورها

خنده بر لب های من خشکیده است

آسمان در چشم من باریده است

خسته ام از روزهای انتظار

آفتاب آرزوی من ببار

ساری - حسن حسن پور  
(فرزند شهید)

### شهادت

شهادت آرزوی عاشقان است

شهادت میوه باغ جنان است

شهادت سیره پیر خمین است

شهادت جلوه عشق حسین است

شهادت معنی و مفهوم دین است

شهادت راه سرخ مومنین است

شهادت مظهر عشق و جهاد است

شهادت فخر مومن در معاد است

شهیدان عشق را خونین گزیدند

مصاف خصم بدآیین گزیدند



نماز سرخ را مردانه خواندند

عدو را تا و رای صحنه راندند

شهیدان دین حق را بیمه کردند

ستمگر را بسی آسیمه کردند

شهادت عرصه را زیر و زبر کرد

شهادت در دل یاران اثر کرد

شهیدان، قبله را خونرنگ دیدند

قبول طاعت اندر جنگ دیدند

شهادت میوه عشق و جنون بود

عبور عاشقان از خط خون بود

معمای شهادت را خمینی

نموده حل ز آوای حسینی

شهادت فخر مردان خدایی

وصال عاشقان کربلایی

شهیدان طاقت از دل ها ربودند

شهیدان راه فردا را گشودند

شهیدان از حسین الهام دارند

نشان یاری اسلام دارند

## آرزوی دیرینه

بیا که شب شد و چشم بهانه می گیرد

دوباره یاد تو در سینه خانه می گیرد

دوباره مهر تو ای آرزوی دیرینه

درون سینه ما آشیانه می گیرد

نگاه غمزده ام در سکوت می شکند

دوباره آتش عشقم زبانه می گیرد

برای دیدنت ای دوست ای بهار امید

چو ابرها دل من عاشقانه می گیرد

به راه تو چقدر دیده دار بنشینیم

دلم هوای تو دارد بهانه می گیرد

## بهار معطر

ای نگاهت فروغ زمانه

دردل من توی جاودانه

می نشانم دل خسته ام را

بر سر راه تو بی بهانه

باز گرد ای بهار معطر

سوخت باغ من از تازیانه

با تمام خلوصی که دارم

خدمتت کرده ام خالصانه

این همه خوبی و مهربانی

آخرش حسرت عاشقانه

اشکهای زلال جدایی است

می چکد بر زمین دانه دانه

## دو بیتی ها

مرا با خلوت خود آشنا کن

دروغم را پر از یاد خدا کن

چراغ مهر در جانم بیفروز

مرا از تیرگی هایم رها کن

نوای عشق را در سینه داری

دلی مثل دل آینه داری

تو چون گل های لادن، خوب و پاکی

که قلبی روشن و بی کینه داری

تعلق های دنیا را رها کن

خدا را با خلوص دل صدا کن

اگر خواهی شود روشن ضمیرت

دلت را با محبت آشنا کن

ندیم خلوتِ شب های راز است

دلی که روشن از نور نماز است

کسی که مشتعل شد جانفش از دوست

دلش از مهر دنیا بی نیاز است

بابل - زهرا داودی  
(فرزند شهید)

### داغ تنهایی

آنگاه که فرشتگان ترا تشییع می کردند  
دریا دریا گریستم  
تا وقتی بودی می شد ترنم لطیف شبنم را  
در گوش گل  
احساس کرد  
تا وقتی بودی می شد انعکاس آسمان را در  
آینه آب به تماشا نشست  
تا وقتی بودی می شد احساس ظریف گل را  
وقتی باران می بارید لمس کرد  
آنگاه که رفتی  
دریا موج موج ناله کرد  
و آسمان خون گریست  
گل ها سیاه پوشیدند  
و پروانه ها خود را آتش زدند  
آنگاه که رفتی داغ تنهایی ام شکوفه کرد و  
به بار نشست  
به سخاوت باران قسم  
که تشنه ترم از خاک تفتیده کویر



قائم‌شهر - مریم دروا  
(فرزند شهید)

پروانه خوب

اماما چون خیالی تازه مانی

که در ذهن و زبان من نشستنی

اگر چه دور هستی از بر من

ولی در دیدگان من نشستنی

دل من بی تو ای پروانه خوب

همانند گلی خشک است و پر پر

بهار باغ زیبای دل من

نگاه خویش را بر من بگستر

دل دیوانه ام شور تو دارد

بیا و دست مهربی بر سرم کش

به روی زخم هایم مرهمی نه

## پدر جان بار دیگر در برم کش

قائم‌شهر - میثم رضی  
(فرزند شهید)

### زمزمه

پیش از آفتاب  
به کوچه ام طلوع می کنی  
با دستی از نان گرم  
و شاخه ای بنفشه  
همه ذراتم را می چینی  
با دلی که قاصدک می رویاند  
و در آینه آب ها رهایش می کند  
تا دریاها  
به هزار خواب  
خیسی  
«آفتاب»

آمل - فرهاد صابر  
(برادر شهید)

آیش سبز

در نگاهم طرح شالی ریشه دارد

آیش سبز شمالی ریشه دارد

جلگه آینه در باغ نگاهم

مثل يك شهر خیالی ریشه دارد

کوچه هامان بوی نیلوفر گرفته

عشق در قلب اهالی ریشه دارد

در وجود تو بلوغ چشمه جاری

در نگاه من زلالی ریشه دارد

ساده ایم و مثل يك مهتاب وحشی

روحمان در این حوالی ریشه دارد

غروب خوب جنگل

دستم آشیانه پرنده هاست

شعر من ترانه پرنده هاست

چشم من غروب خوب جنگل است

ساده، مثل خانه پرنده هاست

در بلور واژه های آبی ام

طرح آب و دانه پرنده هاست

آبگیر دلکش سخاوتم

قلب من نشانه پرنده هاست

در نگاه سبز شاعرانه ام

حسّ عاشقانه پرنده هاست

## چلچله

حیف است فراموش کنی چلچله ها را

دامن بزنی دامنه فاصله ها را

اشراقی غربت زده ای در قفس و هم

افسوس که باور نکنی چلچله ها را

برخیز و تماشا کن از آینه فردا

با بانگ جرس، آمدن قافله ها را

ای کاش که با صافی دل پاک نمایی

از آینه عشق، غبار گله ها را

با يك سبد آینه و احساس و محبت

وسعت بدهی دایره حوصله ها را

پرواز از آینه ها

تو سنگ را مقدس می کنی  
وقتی که در نگاهت  
آینه ها

پرواز می کنند  
وقتی که لبان آسمان  
با خنده های تو

سهیم می شود  
تو

غنچه زمین را می شکوفانی

و من

بر شاخه های دستت

میوه می دهم

و محو می شوم

وقتی

آخرین ستاره

به نام تو

چشمک می زند

علی فلاح

گلستان شهیدان

گلستان شهیدان است اینجا

مزار گل‌عذران است اینجا

قیام حق علیه کفر و باطل

عیان از خون یاران است اینجا

به گلزار شهیدان کن نگاهی

ببین گل‌ها فراوان است اینجا

کنار تربت فرزندان، آری

پریشان، دیده‌گریبان است اینجا

ساری - لیلا قلی نژاد  
(همسر شهید)

گل خورشیدی

ای طنین آبی باران عشق

عطر ناب نسترن زاران عشق

ای فرات تشنه کامان زمین

ارض موعود همه مستضعفین

ای چراغ روشن کاشانه ها

شور رستاخیزی پروانه ها

رهنمای قمریان در بدر

قبله آلاله های خون جگر

نام تو دل را طبابت می کند



روشنی را استجابت می کند

ای گل خورشیدی ایوان ما

چشمه امید در چشمان ما

از کلامت ابر آمین می چکد

از تن هر یاس، یاسین می چکد

زندگی ها را بهاری کرده ای

مرگ ها را اختیاری کرده ای

سینه ما امتحان سوزهاست

تا ابد تجدیدی آن روزهاست

## زمزمه

با یاد سرخ گل‌گذاران، گریه کردیم  
چون ابرهای نو بهاران، گریه کردیم  
در لحظه های گرم احساس و ترنم  
بر زخم های سرخ یاران گریه کردیم  
در هجرت سرخ پرستوهای عاشق  
همراه گل ها زیر باران گریه کردیم  
از زخم آهو بره های بیشه نور  
گفتیم و با چشم انتظاران گریه کردیم  
ما را به بزم عاشقی راهی ندادند  
هر قدر در پای سواران گریه کردیم

نوشهر - موسی قمی اویلی  
(برادر شهید)

### خاطره

ساکش را برداشت  
چلچله ها از ایوان برخاستند  
کبوترها از حیاط  
پله ها را طی کرد  
بر آستانه در ایستاد و گفت  
اگر نیامدم مگذار پرنده هام زندانی شوند  
نه بهار  
نارنج ها به شکوفه نشستند  
اما از پرنده ها  
خبری نشد

## دوبیتی

شبی مثل کبوترهای کوهی

نشستی بر صنوبرهای کوهی

و دیدم گریه می کردی برای

دلورها - دلورهای کوهی

چالوس - طیبه قمی  
(فرزند شهید)

کسی می آید از راه

تو صد مدینه داغی، تو صد مدینه دردی

یتیم می شود خاک اگر که بر نگردی

تمام شب نیفتاد صدای زوزه باد

چه بادهای سردی، چه کوچه های زردی

دو کوچه آن طرف تر بییچ سمت لبخند

شکوفه می فروشد بهار دوره گردی

کسی می آید از راه چه ناگهان چه ناگاه

خدای من چه روزی، خدای من چه مردی!؟

از آسمان چارم مسیح بازگشته است

زمین ولی چه تنهاست مگر تو باز گردی

چالوس - زینب کردیندسی  
(فرزند شهید)

بوی عشق

از شما نور خدا می بارد

تربت کربلا می بارد

گفته بودند که انبوه، انبوه -  
رحمت از خاک شما می بارد  
هر بهاری که ز در می آید  
گل به روی شهدا می بارد  
خانه از جسم شما خالی ماند  
یادتان بر دل ما می بارد.

نوشهر - قادر متاجی  
(برادر شهید)

جوانه نور

هنوز بوی ترا می دهد زمانه تو  
هنوز می شنوم هق هق شبانه تو

عطش که می کشد ای دل زبانه در تب سبز

گواه لاله سرخی است، روی شانه تو

هنوز سایه بغضی به چشمه ای باقیست

من و دلی که نگیرد به جز بهانه تو

نگاه پنجره ای خیره در غروب شکست

ببین جوانه نوری بر آشیانه تو

هنوز گونه یاسی که پشت در روئید

خضاب می شود از زخم تازیانه تو

شب است و حس نجیبی مرا به حرف آورد

هنوز بوی تو را می دهد زمانه تو

## صنوبر های خیس

شاد و خندان باز می گردند گفتارهای خیس

باغ را آغوش می گیرند در پرهای خیس

پیش پای آهنین عزم سبک بالان دشت

سجده می آرند انبوه صنوبر های خیس

باغ محو استتار بال خاک آلودشان

بوی ناب دوست دارد خاک سنگر های خیس

می توان حتی حضور سبزشان را حس نمود

لابه لای صفحه های سرخ دفتر های خیس

تا شقایق مظهر عشق است در قانون دشت

بوسه گاه خنجر خشمند، حنجر های خیس



ما چه می فهمیم معنای بلند عشق را  
در هجوم رود و آتش، رقص پیکرهای خیس  
ناتوانیم از پریدن، درك باور هایشان  
کاش می شد عشق بازی با کبوترهای خیس!

چالوس - طوبی محمدی  
(همسر شهید)

سرزمین من!

آه!

ای سرزمین من  
تولد دوباره ات را  
جشن می گیریم  
دوباره پیشانی بندهای سرخ را  
بر پیشانی هامان می بندیم  
و بر هشت گلوله،  
هشت تفنگ،  
نوار سرخ

و هشت کبوتر سپید را  
برای رقص و پایکوبی  
به پرواز در می آوریم  
ای وطن!  
امشب آسمان با زمین پیمان بسته است  
تا  
برای حراست از تو  
بیدار بمانند تا همیشه  
تو مدرسه عشقی  
شهامت درس توست  
و من  
با قلم و خون سرخ خویش  
بر این دفتر سپید می انگارم:  
ای تجلیگاه خدا!  
سرزمین من!  
تولدت مبارك ...

رامسر - فرشید مسگران کریمی  
(برادر شهید)

دو بیتی ها

شهیدان راه حق را پیشه کردند

ز جان دادن کجا اندیشه کردند

اگر چه پر کشیدند از بر ما

درون سینه ما ریشه کردند

شهیدان جان فدا کردند و رفتند

ز ما خود را جدا کردند و رفتند

به چشم دل چو جانان را بدیدند

ز عشقش تن رها کردند و رفتند

تتکابن - محمد هادی ناظریان  
(برادر شهید)

## سوگواری

دیرها

که من

غرقه می شدم

پای سوگواری درخت

دست خیزی از شلال گیسوان مه

شانه شکسته مرا به لرزه می کشید

دیرها

که می چکیدم از نگاه آسمان

دودی از پرنده در من ایستاده اوج می گرفت

دیرها همیشه گام می زدم

پا به پای خلوت درخت

دیرها

مثل جنگلی پر از صدای دست خورده می شدم

دیرها نبودم و

کسی همیشه غربت مرا سرود می سرود

## صمیمی ترین لحظه

صمیمی ترین لحظه های عزیزم

بگو تا خودم را به پایت بریزم

اگر دست از دست من وارهانی

هر آینه از خویش هم می گریزم

بهاری ترین چشم های زمینی

بدون تو من کیستم؟ من چه چیزم؟

مرا ابر کن تا به جنگل ببارم

مرا رود کن تا به دریا بریزم

تو دریا ترین آسمان منی، آی

صمیمی ترین لحظه های عزیزم